

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد عزیز: جناب استاد با همه عظمت و احترامی که برای شما قائلیم اجازه بدهید یک نقد شاگرد به استاد داشته باشیم. ما از علامه طباطبایی و شما آموختیم برای فهم سخن گوینده بایستی سیاق و صدر و ذیل کلام را تفکر کرد و آنگاه دید سخن چه معنی می دهد کاری که به نظر می رسد استاد عزیز ما در باره سخنان آقای روحانی نکرده اند. ببینید استاد صدر کلام ایشان این است همه باید نقد بشوند استثنا نداریم تمام مسئولین در کشور قابل نقدند. یک وقتی که امام زمان ظهور کرد آن وقت هم می شود نقد کرد. ببینید جناب سیاق سخن ایشان ضروت نقد کردن است ایشان ابتدا دستور نقد را با جمله همه باید نقد شوند صادر می کند (خصوصاً کلمه باید) و به امام زمان (ع) و نبی اکرم (ص) ختم می کند. این به طور طبیعی حکم صادر شده در صدر کلام را به ذیل آن تسری می دهد. اساساً سیاق جملات روحانی سعه صدر نیست که برداشت شما را بپذیریم سیاق جملات ایشان این است که به جهت احتمال خطا همه باید نقد شوند و ناشیانه این مطلب را تا معصوم گسترش می دهد. استاد این فقط کیهان نبود که تالی فاسد جملات آقای روحانی را خوب فهمید بلکه بزرگانی همچون جامعه مدرسین قم، آیات الله مکارم شیرازی شب زنده دار، میلانی و بسیاری از متفکرین حوزوی و دانشگاهی. نیز متوجه این مطلب شدند و برای همین به نقد سخنان ایشان پرداختند گرچه آقای روحانی قصد زیر سوال بردن عصمت را ندارد و بیشتر در حال فرافکنی و فرار به جلو است و خودش بدترین توهین ها را به منتقدانش می کند ولی قبول کنید سیاق کلامش به عظمت معصوم تنه زد و گرنه سعه صدر پیامبر که آن اعرابی نادان بر ایشان می تازد و حضرت تحمل می کند چه ربطی به فحوای کلام ایشان دارد؟ با تشکر و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً گله‌ی من آن است که چرا در مورد هر سخنی، پدیدارشناسانه و همه‌جانبه فکر نکنیم! اولاً: ایشان در صدر سخن می‌گویند: «ما در کشور معصوم نداریم». یعنی بستر سخن ایشان آن است که غیر معصوم قابل نقد است. ثانیاً: فرهنگ شیعیان طوری است که حتی یک شیعه‌ی عامی هم در سنتی قرار دارد که امام و پیامبر را معصوم می‌داند. چرا سخن آقای روحانی را در همین سنت تاریخی نفهمیم؟! و من این را مشکل ضعف فهم جامعه می‌دانم که سخنان را از سنت حاکم بر آن سخنان جدا بنگریم. موفق باشید